

بسم الله الرحمن الرحيم

فلزات نادر؛ سلاح خاموش در رقابت چین و غرب!

(ترجمه)

خبر:

به گزارش شبکه بی‌بی‌سی، اعلامیه چین درباره وضع محدودیت‌های تازه بر صادرات فلزات و عناصر نادر، بار دیگر تنش‌های تجاری میان پکن و واشنگتن را افزایش داده و نگرانی‌هایی را در بازارهای جهانی برانگیخته است.

در سند رسمی با عنوان «اعلامیه شماره ۶۲ سال ۲۰۲۵» که از سوی وزارت بازرگانی چین منتشر شده، شرایط سخت‌گیرانه‌ای برای صادرات این مواد تعیین شده است. بر اساس این مقررات، شرکت‌های خارجی برای صادرات هر محصولی که حاوی مقادیر هرچند اندک از این عناصر باشد، باید پیشاپیش از دولت چین مجوز بگیرند و هدف استفاده از آن‌ها را توضیح دهند. (الجزیره نت)

تبصره:

امروز بشریت درگیر جنگی تازه است؛ جنگی که دیگر با سلاح و تانک انجام نمی‌شود، بلکه در بازارها، معادن و آزمایشگاه‌ها جریان دارد و از اتاق‌های برنامه‌ریزی استراتژیک هدایت می‌شود. این همان جنگ بر سر مواد نادر است؛ عناصری که به ستون فقرات صنعت مدرن و کلید قدرت اقتصادی و نظامی در قرن بیست‌ویکم تبدیل شده‌اند.

این مواد مانند لیتیم، کبالت، نیکل و عناصر نادر خاکی، در ساخت همه چیزهایی به کار می‌روند که امروز و فردا ساخته می‌شوند؛ از تلفن‌های هوشمند و خودروهای برقی گرفته تا موشک‌ها و ماهواره‌ها.

به همین دلیل، این عناصر به سلاحی پنهان تبدیل شده‌اند که قدرت‌های بزرگ برای به دست آوردنشان با هم رقابت می‌کنند و به ابزاری برای سلطه اقتصادی و سیاسی بدل شده‌اند.

از چند دهه پیش، غرب؛ به‌ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی، به این نکته پی بردند که تنها تسلط بر منابع انرژی دیگر برای کنترل جهان کافی نیست و آینده از آن کسانی است که کلیدهای تکنالوژی و عناصر نادر را در اختیار دارند، به همین دلیل، آن‌ها به طراحی دوباره‌ی نقشه‌ی نفوذ جهانی شروع کردند، نه بر اساس نفت و گاز، بلکه بر اساس معادن و فلزات.

در مقابل، چین وارد میدان شد و این توازن را برهم زد؛ زیرا توانست بر بیش از ۶۰ درصد تولید مواد نادر جهان مسلط شود و کنترل زنجیره‌های تأمین صنعتی را در دست بگیرد. این موضوع، غرب را نگران کرد و باعث شد رقابت اقتصادی و سیاسی میان شرق و غرب شعله‌ور شود.

اما سرزمین‌های اسلامی با وجود وسعت سرزمین‌ها و فراوانی منابع طبیعی‌شان، هنوز از صحنه‌ی اصلی این جنگ دور ماندند.

بسیاری از این کشورها -از آفریقا تا آسیا- در دل زمین‌های خود ذخایر بزرگی از عناصر و مواد نادر دارند، اما نبود دیدگاه استراتژی و وابستگی تصمیم‌گیری سیاسی به اقتصاد غرب باعث شده که فقط نقش یک تأمین‌کننده‌ی مواد خام را داشته باشند نه بیشتر.

این عناصر از سرزمین‌های اسلامی استخراج می‌شوند، سپس با قیمت‌های ناچیز صادر می‌گردند و بعداً به صورت کالاهای ساخته شده با چندین برابر قیمت دوباره به خودشان بازمی‌گردند. بدین صورت ثروت‌ها به طور پیوسته از دست می‌رود، در حالی که هیچ پروژه و یا برنامه اسلامی برای سرمایه‌گذاری این گنج‌ها به نفع امت وجود ندارد.

سرزمین‌های اسلامی اگر اراده‌ی سیاسی و وحدت اقتصادی داشته باشند، می‌توانند از حالت وابستگی خارج شده و به قدرتی تأثیرگذار در جهان تبدیل شوند. آن‌ها سرزمین وسیع، موقعیت استراتژی، منابع طبیعی و نیروی انسانی زیادی دارند، اما به یک برنامه‌ی مشترک نیاز دارند تا متحد شوند و از وابستگی اقتصادی به بیگانگان رها گردند.

جنگ بر سر مواد معدنی نادر، فقط یک جنگ اقتصادی نیست، بلکه جنگی است علیه آگاهی، استقلال و حق تصمیم‌گیری درباره‌ی آینده.

اگر امت اسلامی بیدار نشود و جایگاه خود را در این معادله از نو تعریف نکند، ثروت‌هایش هم‌چنان در خدمت دیگران خواهد بود و سرنوشتش را کسانی رقم خواهند زد که بدون او برای آینده‌اش برنامه‌ریزی می‌کنند.

امروز در یک دوراهی سرنوشت‌ساز قرار داریم: یا هم‌چنان مصرف‌کننده و وابسته بمانیم، ثروت‌های خود را بفروشیم و محصولات ساخته شده از آن‌ها را بخریم، یا بدانیم که این جنگ اقتصادی فرصتی است برای بازپس‌گیری نقش تمدنی و رهبری‌مان و این کار برای امت دشوار نیست، اگر به سوی پروردگارش بازگردد، صف‌های خود را یکی کند و رایه واحد خود یعنی رایه اسلام را برافرازد.

عزت از آن الله سبحانه و تعالی، از آن رسول الله صلی الله علیه وسلم و از آن مومنین است.

نویسنده: عبد العظیم الهشلمون

30 ربیع الثانی 1447 ه.ق.

22 اکتوبر 2025 م.

مترجم: حسن سلحشور